

دوفصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات زبانی و بلاغی

سال ۸ - شماره ۱۶ - پاییز و زمستان ۹۶

صفحات ۳۰۱ - ۳۳۲

چند فرایند واجی در گویش دیباجی

شهرام نقشبندی* / حوا حاج عیدی**

چکیده

در این مقاله، جنبه‌هایی از نظام آوایی گویش دیباجی در چارچوب واج‌شناسی زایشی توصیف و تحلیل شده است. گویش دیباجی نام گویش رایج در شهر دیباج است. دیباجی یکی از گونه‌های زبانی حاشیه دریای خزر است که از خانواده زبان‌های ایرانی غربی به‌شمار می‌رود. دیباج نام شهری در شمال دامغان از شهرستان‌های استان سمنان است. برای انجام این پژوهش، داده‌هایی از پنج گویشور بومی در رده سنی بالای ۴۵ سال، که عمدتاً کم‌سواد و بی‌سواد بودند، از طریق مصاحبه و تکمیل پرسش‌نامه جمع‌آوری شده است. همچنین یکی از نگارندگان این پژوهش، خود، گویشور این منطقه می‌باشد. روش این پژوهش، توصیفی-تحلیلی است. پیکره گردآوری شده بر مبنای الفبای آوانویسی بین‌المللی (IPA) آوانگاری شده است. فرایندهایی که در این گونه زبانی معرفی شده‌اند عبارت‌اند از: همگونی، ناهمگونی، حذف، درج، نرم‌شدگی و قلب. ملاک انتخاب این فرایندها یکی وقوع فراوان آن‌ها در پیکره گردآوری شده است و دیگری تفاوت بارز بسیاری از آن‌ها با فرایندهای رایج در گونه معیار زبان فارسی. پس از معرفی و توصیف هر یک از فرایندهای مورد بحث، بلافاصله قاعده/قواعد واجی ناظر بر آن در چارچوب واج‌شناسی زایشی استانده صورت‌بندی شده، برهم‌کنش آن با سایر قواعد مورد بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه: زبان‌های ایرانی، گویش دیباجی، واج‌شناسی زایشی، فرایندهای واجی

* استادیار زبان‌شناسی دانشگاه سمنان (نویسنده مسئول) naghshbandi@semnan.ac.ir

** دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان‌شناسی از دانشگاه سمنان

تاریخ وصول: ۱۳۹۶/۰۶/۲۱ - پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۱۰/۰۵

۱. مقدمه و بیان مسأله

گردآوری گویش‌ها و زبان‌های محلی در ایران و نیز بررسی علمی آن‌ها علاوه بر آنکه در کلیت خود توصیفی از ویژگی‌های بارز و شایان توجه از یک نظام زبانی را ارائه می‌دهد، می‌تواند راه‌گشایی برای حل برخی از مشکلات در توصیف‌های هم‌زمانی یا در زمانی زبان فارسی، کمک به تعیین وضعیت رده‌شناختی گویش‌ها و زبان‌های ایرانی، ساختن واژه‌های نو و شناخت بهتر متون کهن فارسی باشد. دیباجی، گویش مردم شهر دیباج، یکی از این گویش‌های ایرانی است که این پژوهش به توصیف و تحلیل برخی «فرآیندهای واجی»^۱ در آن می‌پردازد. شهر دیباج در ۵۳ کیلومتری شمال شهرستان دامغان در استان سمنان واقع شده است. از آنجا که دیباج در مسیر استان سمنان به استان مازندران قرار گرفته است، گویش دیباجی شباهت‌هایی با گویش‌های مجاور خود در هر دو استان از لحاظ آوایی، صرفی و نحوی دارد. بر اساس ویندفور^۲ (۲۰۰۹: ۹-۱۵) و لُکوک^۳ (۱۳۸۳: ۴۸۹-۴۹۰) گویش‌های حاشیة دریای خزر شامل مازندرانی، گیلکی، تالشی، تاتی، سمنانی، سرخه‌ای و... است که تمامی این گونه‌ها جزء زبان‌های ایرانی غربی شمالی به‌شمار می‌روند. بدین لحاظ می‌توان ادعا کرد که دیباجی از گویش‌های حاشیة دریای خزر است. گویش دیباجی علی‌رغم داشتن شباهت‌هایی با گویش‌های مجاور خود به‌ویژه نواحی شمالی، تفاوت‌هایی نیز با آن‌ها دارد. با توجه به قرابت خاص این گویش با گونه‌های مازندرانی به‌لحاظ صرفی و نحوی، به‌نظر می‌رسد گویش دیباجی یکی از گونه‌های مازندرانی باشد. گویش دیباجی همچون بسیاری از گونه‌های زبان‌های ایرانی با پیشرفت تکنولوژی و مهاجرت افراد به شهرها و گرایش نسل جوان به زبان معیار، در معرض تغییرات بسیار سریع قرار گرفته، تا جایی که گاهی کودکان از فهم واژه‌های کلام سال‌خوردگان عاجز می‌مانند. از این رو در این پژوهش سعی شده است از

1-phonological processes

2-Gernot Windfur

3-Pierre Lecoq

چند فرایند واجی در گویش دیباجی _____ ۳۰۳

گویش افراد میان سال و مسن کم سواد و بی سواد استفاده شود که کمتر تحت تأثیر فارسی معیار قرار گرفته باشند. در این پژوهش جنبه‌هایی از نظام آوایی گویش دیباجی توصیف و بررسی شده است؛ بدین صورت که فرایندهای مربوط به برخی «تناوب‌های آوایی»^۱ کشف و توصیف و قواعد ناظر بر این تناوب‌ها در چارچوب «واج‌شناسی زایشی استانده»^۲ صورت‌بندی شده‌اند. ملاک انتخاب این فرایندها یکی وقوع فراوان آن‌ها در پیکره گردآوری شده است و دیگری تفاوت بارز بسیاری از آن‌ها با فرایندهای رایج در گونه معیار زبان فارسی است.

۲. روش پژوهش

روش پژوهش به صورت میدانی- اسنادی از نوع توصیفی - تحلیلی است و داده‌ها به چند طریق گردآوری شده‌اند:

الف. مصاحبه مستقیم با پنج نفر از گویشوران بومی شامل زن و مرد در سنین بالای ۴۵ با سطح تحصیلات کم یا بی سواد و ضبط و ثبت مکالمات آن‌ها.

ب. تدوین و تکمیل پرسش‌نامه و ثبت و آوانویسی داده‌های ضبط‌شده از گویشوران مذکور. این پرسش‌نامه شامل بیش از ۲۰۰۰ واژه و ۲۰۰ جمله است.

پ. بررسی منابع موجود شامل کتاب‌های تألیف‌شده درباره شهر دیباج و کتاب‌ها و مقالاتی در زمینه گویش‌شناسی و گویش‌های ایرانی و رده‌شناسی زبان‌های ایرانی.

ت. استفاده از شم زبانی یکی از نگارندگان که گویشور دیباجی است. پس از ضبط داده‌ها به وسیله دستگاه ضبط دیجیتال، پیکره گردآوری شده با استفاده از نمادهای «الفبای آوانگاری بین‌المللی»^۳ (IPA)، آوانویسی تفصیلی شدند. شایان اشاره است که میزان تفصیل در آوانگاشته به کاررفته در این پژوهش، تا حدی

1-phonetic alternations

2-Standard Generative Phonology

3-International Phonetic Alphabet

است که بیانگر ویژگی‌های برجسته این گویش و فرایندهای واجی مورد بحث باشد. سپس با استخراج «جفت‌ها/مجموعه‌های کمینه»^۱، فهرستی مقدماتی از واج‌های این گونه زبانی بر اساس معیار تمایز معنایی فراهم شد. در ادامه، بر اساس معیارهای توزیعی و با استناد به شواهد درون‌پیکره‌ای و برون‌پیکره‌ای مجدداً هریک از اجزای آوایی که در فهرست مقدماتی، هویت واجی یافته بودند، تأیید یا رد شدند و تناوب‌های «واج‌گونه‌ای»^۲ هریک از واج‌ها از طریق «قواعد واجی»^۳ صورت‌بندی گردید. ذکر این نکته در اینجا ضروری است که چارچوب نظری اتخاذ شده در این پژوهش، انگاره «خطی»^۴ واج‌شناسی زایشی است.

۳. پیشینه پژوهش

تاکنون هیچ پژوهش زبان‌شناختی مستقلی درباره نظام آوایی گویش دیباجی صورت نگرفته است. تنها اثر موجود درباره این گویش، اکبرپور (۱۳۹۴) است که بر پایه پرسش‌نامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی (باغبیدی، ۱۳۸۰) به جمع‌آوری داده‌های گویش‌های استان مازندران پرداخته است. این اثر دو جلدی به معرفی شانزده گویش از گویش‌های استان مازندران می‌پردازد و گویش دیباجی را به‌عنوان یکی از گویش‌های استان مازندران معرفی می‌کند. البته در پیش‌گفتار اثر، یادآوری می‌شود که گویش دیباجی پیشوندهای فعلی ویژه‌ای دارد که در دیگر گویش‌های استان مازندران دیده نشده است. نگارندگان پژوهش حاضر، با بررسی داده‌های موجود در اکبرپور (۱۳۹۴) به این نتیجه رسیده‌اند که برخی از داده‌های این اثر با واقعیات موجود در مورد برخی واژه‌ها و همخوان‌ها مطابقت ندارد که در زیر به چند مورد اشاره می‌شود:

-
- 1-minimal pairs/sets
 - 2-allophone
 - 3-phonological rules
 - 4-linear

۱) واکه [e:] واکه کشیده‌ای است که ریشه تاریخی دارد و از دوره میانه (ن. ک. ابوالقاسمی ۱۳۹۳: ۵) تاکنون در این گویش به‌جا مانده است و در این اثر، به‌عنوان واج در نظر گرفته نشده است. برای مثال، در واژه‌های زیر، واکه [e] به‌جای واکه [e:] به‌کار رفته است. شایان ذکر است که در این اثر، به واج‌گونه‌های هیچ‌یک از واج‌ها اشاره‌ای نشده است. به‌اعتقاد نگارندگان این پژوهش، خطا در تشخیص هویت واجی این واکه ناشی از این است که در اکبرپور (۱۳۹۴) تعیین واج‌ها صرفاً بر اساس معیار معنایی بوده و به معیارهای توزیعی توجهی نشده است.

پاره‌گفتارهای شماره ۱

صورت نادرست	صورت درست	
dek	[de:c]	'دیگ'
bel	[be:l]	'بیل'
teq	[te:g]	'تیغ'
fer	[fe:r]	'شیر'
meχ	[me:χ]	'میخ'

۲) واکه‌های [y] و [ø] که در گفتار سال‌خوردگان و بی‌سوادان/کم‌سوادان بسیار مشاهده می‌شوند، در این اثر، شناسایی نشده‌اند و در برخی واژه‌ها با واکه [u] و در برخی دیگر با [i] آوانویسی شده‌اند. برای مثال، واژه [χyn] 'خون' به‌صورت [χun] و واژه [ɣaly] 'گلو' به‌صورت [gali] آوانویسی شده‌اند.

۳) واکه [ɛ] که در این گویش واکه‌ای پربسامد است، در گفتار گویشوران شناسایی نشده است و به‌جای آن از واکه [ə] استفاده شده است. برای مثال، واژه [lɛŋ] 'پا' به‌صورت [lɔŋ] و واژه [zɛlf] 'زلف' به‌صورت [zɔlf] آوانویسی شده است.

۴) همخوان سایشی لثوی کامی واک‌دار [ʒ] در گویش دیباجی وجود ندارد، در حالی که در این اثر واژه 'زدها' به‌صورت [eʒdɔ̄ar] آوانویسی شده، که نادرست

است. در این گویش هیچ واژه‌ای که دارای همخوان [ʒ] باشد، مشاهده نشده است و گویشوران دیباجی در تلفظ واژه‌هایی مثل ژاپن، پژو، ژاله و... همخوان [ʒ] را با همخوان [dʒ] جای‌گزین می‌کنند؛ مانند: 'کژدم' [ʒidʒdɛmb].

(۵) گویش دیباجی هجای بدون «آغاز»^۱ را مجاز نمی‌داند؛ در حالی که در این اثر بسیاری از واژه‌ها با واکه شروع شده‌اند. برای مثال [azəb] مجرد.

(۶) در این اثر برای آوانویسی داده‌ها از الفبای آوانگار بین‌المللی (IPA) استفاده نشده است؛ از این رو تفاوت برخی آواها به‌خصوص واکه‌ها واضح نیست. برای مثال، همخوان انفجاری ملازی بی‌واکه [q] به‌جای جفت واکه‌دار آن؛ یعنی [g] آورده شده است. در این گویش، همخوان [q] وجود ندارد. همچنین واکه مرکزی [ə] نیز در بسیاری از موارد به‌جای واکه‌های [e] یا [ɛ] به‌کار رفته است. مثلاً واژه [χalɛ] 'خاله' به‌صورت [χalə] و واژه [dɛtɛr] 'دختر' به‌صورت [dətər] نمایش داده شده است.

(۷) در آوانویسی برخی از واژه‌ها در این اثر، از معادل فارسی معیار یا معادل مازندرانی واژه به‌جای دیباجی استفاده شده است. برای مثال واژه [nabdân] 'ناودان' به‌جای [natelán] یا واژه [zoqâl] 'زغال' به‌جای [ʔɛzɡâl] آوانویسی شده است.

درباره آداب و رسوم مردم دیباج آثاری به چاپ رسیده است که از جمله می‌توان شاه‌حسینی (۱۳۸۷) را نام برد.

در مورد فرآیندهای واجی در برخی گونه‌های مازندرانی و استان‌های هم‌جوار نظیر سمنان، پژوهش‌های علمی فراوانی صورت گرفته است. نگارندگان پژوهش حاضر، از برخی از این پژوهش‌ها بهره‌برده‌اند که از جمله می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

آقاگل‌زاده (۱۳۸۳) پژوهشی است با عنوان «برخی تغییرات آوایی و فرآیندهای واجی فعال در گویش مازندرانی». در پژوهش مذکور، فرآیندهایی از قبیل «تشدید عارضی»^۲، «همگونی»^۱ و «نرم‌شدگی یا تضعیف»^۲ در این گونه زبانی فرآیندهایی رایج

1-onset

2-fake or apparent gemination

چند فرایند واجی در گویش دیباجی _____ ۳۰۷
معرفی می‌شوند و نظریهٔ واج‌شناسی خطی و «جزء‌مستقل»^۲ را برای توصیف فرایندهای
واجی در گویش مازندرانی کارآمد می‌داند و در پایان، نتیجه می‌گیرد که از میان
فرایندهای واجی موجود در گویش مازندرانی، فرآیند تضعیف و همگونی بیش از
فرآیند «تقویت»^۳، فعال هستند.

کرد زعفرانلو کامبوزیا، آقاگل‌زاده و رضایی (۱۳۸۷) مقاله‌ای است تحت عنوان
«برخی فرآیندهای واجی در گونهٔ زبانی شیرگاه از گویش مازندرانی» که به بررسی
برخی فرایندهای واجی از قبیل همگونی، «ناهمگونی»^۴ «حذف»^۵ و «درج»^۶ واکه در
گونهٔ شیرگاه از گویش مازندرانی پرداخته است.

جوکار شهرستانی (۱۳۹۲) تحت عنوان فرآیندهای «واژ-واجی»^۷ در زبان سمنانی
به فرآیندهایی واجی در گونهٔ سمنانی پرداخته که در حوزهٔ صرف ایجاد می‌شوند و
معتقد است که انگارهٔ واج‌شناسی زایشی خطی قادر به تبیین تغییرات تلفظی و
تناوب‌های آوایی در ساختارهای صرفی در سمنانی است.

۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش، واکه‌ها و همخوان‌های این گویش که با استفاده از مجموعه‌های کمینه
از داده‌های ضبط‌شدهٔ گویشوران دیباجی شناسایی شدند، معرفی می‌شوند؛ سپس
فرایندهای واجی موجود در داده‌ها مورد بررسی قرار می‌گیرند و قواعد واجی مربوط
به هر کدام ارائه می‌گردد.

-
- 1-assimilation
 - 2-lenition/weakening
 - 3-autosegmental
 - 4-strengthening/fortition
 - 5-dissimilation
 - 6-deletion
 - 7-insertion
 - 8-morpho-phonemic

۴-۱. واج‌های گویش دیباجی

واج‌های گویش دیباجی متشکل از ۲۲ همخوان و ۱۰ واکه ساده است که دو واکه ساده [y] و [Ø] فقط در گویش افراد سال‌خورده و بی‌سوادان/کم‌سوادان وجود دارد و در گویش سایر گویشوران شنیده نمی‌شود. همخوان‌ها و واکه‌های گویش دیباجی به ترتیب در جدول‌های ۱ و ۲ آمده است.

جدول شماره ۱- همخوان‌های گویش دیباجی

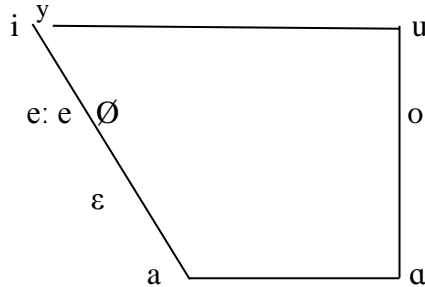
محل تولید شیوه تولید	دوبلی	لثی - دندانی	لثی - دندانی	لثی - کامی	کامی	نرم‌کامی	ملازی	چاکنایی
انفجاری	p b	t d			c ʃ		g	
سایشی		f v	s z	ʃ			χ	h
انسایشی				tʃ dʒ				
خیشومی	m		n					
روان			l r					
غلت					j	w		

همان‌طور که جدول ۱ نشان می‌دهد، در گویش دیباجی همخوان سایشی لثوی واکه‌دار [ʒ] وجود ندارد، همچنین همخوان انفجاری چاکنایی بی‌واکه [ʔ] به‌عنوان واج مشاهده نمی‌شود. این همخوان فقط در آغاز هجاهای بدون آغاز همخوانی در «بازنمایی آوایی»^۱ (PR) ظاهر می‌شود و وقوع آن کاملاً قابل پیش‌بینی است. شایان اشاره است که همخوان «ناسوده»^۲ لثی نرم‌کامی [w] یک واج در نظر گرفته شده است.

1-phonetic representation

2-approximant

نمودار شماره ۲- واکه‌های گویش دیباجی



همان‌طور که نمودار شماره ۲ نشان می‌دهد، در گویش دیباجی ۱۰ واکه ساده شامل سه واکه پسین و ۷ واکه پیشین وجود دارد که دو واکه پیشین گرد [y] و [Ø] فقط در گویش سال‌خوردگان و بی‌سوادان/کم‌سوادان شنیده می‌شود و واکه پیشین نیمه‌افراشته نرم [e:] از واکه‌های بازمانده فارسی میانه است که در این گویش باقی مانده است و واکه پیشین نیمه‌افراشته سخت [ε] با بسامد بالایی در گفتار گویشوران شنیده می‌شود.

۲-۴. چند فرایند واجی شاخص در گویش دیباجی

ارتباط نظام‌مند میان «بازنمایی واجی (UR)»^۱ و بازنمایی آوایی به‌واسطه قواعد واجی که موجب حذف، درج یا تغییر آواها در بافت‌های ویژه‌ای می‌شوند، صورت می‌گیرد. در واقع، قواعد واجی با اعمال بر بازنمایی واجی یا بازنمایی‌های میانی و افزودن اطلاعات قابل‌پیش‌بینی و غیرممیز، بازنمایی آوایی را به‌دست می‌دهند و از این طریق، تفاوت میان واج‌گونه‌های یک واج، تعیین می‌گردد (کنستویچ^۲، ۱۹۹۴: ۷). در این زیربخش به بررسی چند فرایند آوایی در گویش دیباجی و صورت‌بندی آن‌ها به شیوه مرسوم در واج‌شناسی زایشی خطی می‌پردازیم.

1-phonological/underlying representation

2-Michael Kenstowicz

۱-۲-۴. همگونی همخوان خیشومی «تاجی»^۱ در جایگاه تولید

تغییر یک صدا در جهت شبیه‌تر شدن به صدای مجاور را همگونی می‌گویند. این شباهت از طریق دریافت مختصه‌های صدای مجاور ایجاد می‌شود. در فرایند همگونی، اگر یک واحد آوایی در یک یا چند ویژگی به واحد آوایی پس از خود شبیه شود، همگونی را «پسرو»^۲ می‌نامند و اگر یک واحد آوایی به واحد آوایی قبل از خود شبیه گردد، آن را همگونی «پیشرو»^۳ می‌گویند. به‌طور کلی، «همگونی، رایج‌ترین فرایند واجی است که در آن، مختصه/مختصه‌های یک آوا با مختصه/مختصه‌های بافت آوایی هم‌جوار یا غیر هم‌جوار خود همانند یا شبیه می‌گردد» (کنستویچ ۱۹۹۴: ۲۱). در میان انواع این فرایندها، همگونی خیشومی تاجی [n] به‌لحاظ جایگاه تولید با همخوان پس از خود در بسیاری از زبان‌ها دیده می‌شود. پاره‌گفتارهای شماره ۲، بازنمایی‌های واجی و آوایی مربوط به این همخوان را در گویش دیباجی نشان می‌دهد.

پاره‌گفتارهای شماره ۲

	بازنمایی آوایی	بازنمایی واجی	
۱	[hánzɛnɛ]	/#han+zɛnɛ#/	'می‌زند'
۲	[hánχɔrɛ]	/#han+χɔrɛ#/	'می‌خورد'
۳	[hámperɛ]	/#han+pɛrɛ#/	'می‌پرد'
۴	[hámbu]	/#han+bu#/	'می‌شود'
۵	[hámpɛdʒɛ]	/#han+pɛdʒɛ#/	'می‌پزد'
۶	[hánkoʃɛ]	/#han+koʃɛ#/	'می‌کشد'
۷	[hánɡuɔɛ]	/#han+juɔɛ#/	'می‌گوید'
۸	[héŋjirɛ]	/#hɛn+jirɛ#/	'می‌گیرد'
۹	[zán]	/#zan#/	'زن'

1-coronal

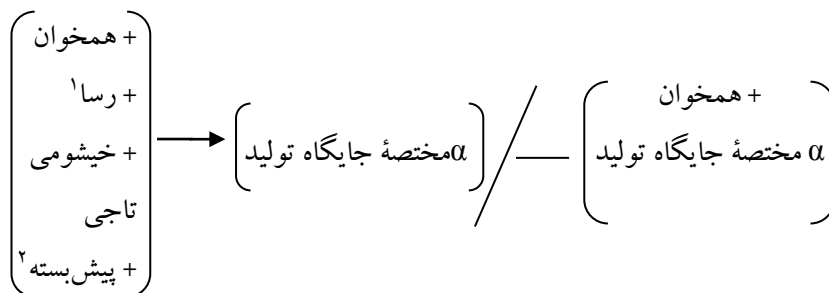
2-regressive assimilation

3-progressive assimilation

	بازنمایی واجی	بازنمایی آوایی	
۱۰	/#zan # pijer#/#	[zámpijer]	'پدرزن'
۱۱	/#zan # berar#/#	[zámberar]	'برادرزن'
۱۲	/#on#/#	[ʔon]	'آن'
۱۳	/#on # vaxt#/#	[ʔonvaxt]	'آن وقت'
۱۴	/#calmangaz#/#	[calmangáz]	'بزمجه'
۱۵	/#nun#/#	[nun]	'نان'
۱۶	/#nunva#/#	[nunváy]	'نانوا'
۱۷	/#dɛnbɛ#/#	[dɛnbé]	'دنبه'
۱۸	/#ʝonbɛz#/#	[gombéz]	'گنبد'
نشانه + بیانگر مرز تکواژ است و نشانه # بیانگر مرز واژه			

همان گونه که در پاره گفتارهای بالا مشاهده می‌شود، همخوان خیشومی تاجی با همخوان پس از خود به‌لحاظ جایگاه تولید، همگون می‌شود و این همگونی هم در درون کلمه و هم در مرز تکواژ و واژه رخ می‌دهد. بدین ترتیب، این فرایند را می‌توان به‌صورت قاعده ۱ در زیر صورت‌بندی کرد.

قاعده ۱- همگونی همخوان خیشومی تاجی



1-sonorant

2-anterior

۲-۴. همگونی در مختصه واك

در این فرایند، همگونی در مختصه واك صورت می‌گیرد؛ به این معنی که يك همخوان، تحت تأثیر محیط واكدار پس از خود، واكدار می‌شود. داده‌های زیر از گویش دیباجی، این همگونی را نشان می‌دهند.

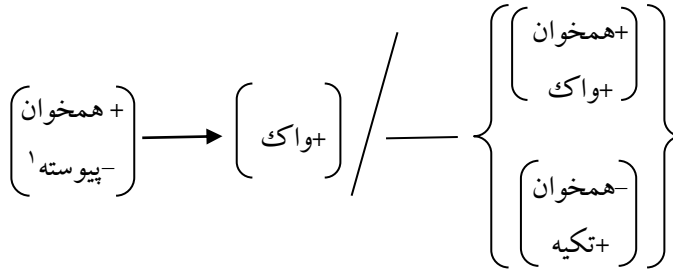
پاره گفتارهای شماره ۳

	بازنمایی آوایی	بازنمایی واجی	
۱	[boʃʒé]	/#boʃʒe#/#	'بشكه'
۲	[ʔeʃgár]	/#eʃcar#/#	'شكار'
۳	[ʔesbé:]	/#espe:#/#	'سفید'
۴	[ʔafdó]	/#afto#/#	'آفتاب'
۵	[ʔeʃbíʃ]	/#eʃpiʃ#/#	'شپش'
۶	[ʔanguʃdér]	/#anjuʃter#/#	'انگشتر'
۷	[naʃdá]	/#naʃta#/#	'ناشتا'
۸	[ʔeʃdér]	/#eʃter#/#	'شتر'
۹	[caʃdér]	/#cafter#/#	'كبوتر'
۱۰	[deʃmé]	/#deʃme#/#	'دكمه'
۱۱	[madbéʒ]	/#matbeʒ#/#	'مطبخ'
۱۲	[hogmén]	/#hocmen#/#	'حكما'
۱۳	[hogmaʃá]	/#hocmaʃa#/#	'اصلا'
۱۴	[ʒac]	/#ʒac#/#	'يك'
۱۵	[ʒaʒnacafél]	/#ʒac+nacafel#/#	'ناگهان'
۱۶	[kaʒzén]	/#cac+zen#/#	'زن دایی'
۱۷	[ʒat]	/#ʒat#/#	'بزرگ'
۱۸	[ʒadmár]	/#ʒatmar#/#	'مادر بزرگ'

	بازنمایی آوایی	بازنمایی واجی	
۱۹	[ʃarba]	/#ʃarpa#/	'چارپا'
۲۰	[ʃarpədár]	/#ʃarpədar#/	'گله‌دار'
۲۱	[gasbénd]	/#jaspend#/	'گوسفند'

داده‌های جدول بالا نشان می‌دهد که همخوان‌های بی‌واک در محیط قبل از واکهٔ تکیه‌بر و قبل از همخوان‌های واکه‌دار تحت تأثیر همگونی پسر و قرار گرفته، واکه‌دار می‌شوند. این فرایند را می‌توان در قالب قاعدهٔ زیر، صورت‌بندی کرد.

قاعدهٔ ۲- واکه‌دارشدگی



۳-۲-۴. ناهمگونی

ناهمگونی به‌طور کلی، یعنی پرهیز از توالی عناصر متعلق به یک مقوله؛ یعنی پرهیز از توالی دو جزء یا دو مختصهٔ همانند. ناهمگونی، عکس فرایند همگونی است؛ یعنی شباهت دو یا چند جزء آوایی به یکدیگر از نظر یک یا چند مختصهٔ آوایی از بین می‌رود. آدن^۲ (۲۰۱۱:۲۲۰) ناهمگونی را فرایندی می‌داند که نسبت به سایر فرایندهای واجی کمتر روی می‌دهد و از طریق آن، یکی از دو جزء آوایی مشابه، به گونه‌ای تغییر می‌کند که شباهتش با جزء آوایی دیگر کمتر شود. پاره‌گفتارهای زیر فرایند ناهمگونی را در گویش دیباجی نشان می‌دهند.

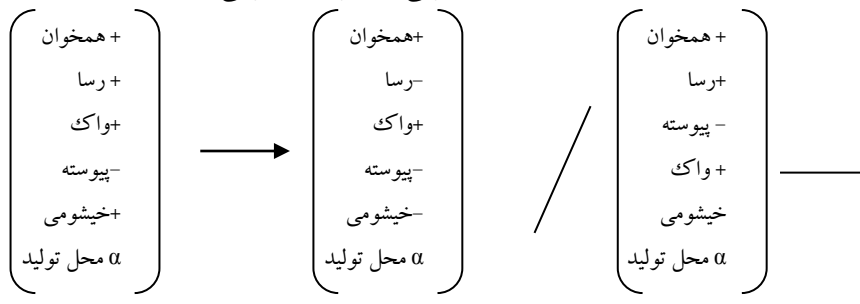
1-continuant
2-David Odden

پاره گفتارهای شماره ۴

	بازنمایی واجی	بازنمایی آوایی	
۱	/#dzannɛm#/#	[dzandém]	'جهنم'
۲	/#hammad#/#	[hambóm]	'حمام'
۳	/#tannur#/#	[tandúr]	'تنور'
۴	/#fan#/#	[fán]	'فن'
۵	/#fann+o+fɛrib#/#	[fandofɛrib]	'فن و فریب'
۶	/#sɛn#/#	[sén]	'سن'
۷	/#senn+o+sál#/#	[sendosál]	'سن و سال'
۸	/#dzɛn#/#	[dzɛn]	'جن'
۹	/#dzɛnn+o+pari#/#	[dzɛndoparí]	'جن و پری'

همان طور که در پاره گفتارهای شماره ۴ مشاهده می شود، در بازنمایی واجی واژگان دو همخوان یکسان (تشدید) وجود دارد که در بازنمایی آوایی، همخوان دوم تحت تأثیر فرایند ناهمگونی قرار گرفته، به لحاظ شیوه تولید با آن ناهمگون می شود که در نتیجه این ناهمگونی، تشدید از بین می رود و یک همخوان انفجاری هم جایگاه با همخوان اول، جایگزین همخوان حذف شده می گردد. قاعده ناهمگونی و تشدیدزدایی^۱ همخوانهای خیشومی را می توان به شکل زیر صورت بندی کرد.

قاعده ۳- ناهمگونی همخوان خیشومی



1-degeminaton

۴-۲. «قلب»^۱ و همگونی همخوان ملازی

در فرایند قلب، جایگاه دو عنصر با یکدیگر عوض می‌شود (کریستال^۲، ۳۰۳: ۲۰۰۸). فرایند قلب را این گونه تعریف می‌کند: «جابه‌جایی توالی طبیعی اجزای جمله؛ این جابه‌جایی اغلب در آواهای درون یک واژه رخ می‌دهد؛ اما گاهی این جابه‌جایی در توالی هجاها، واژه‌ها و دیگر عناصر جمله نیز دیده می‌شود». این تغییر در توالی آواها، ممکن است در راستای «اصل توالی رسایی»^۳ رخ دهد؛ به این معنی که اجزای آوایی در یک هجا به ترتیبی قرار گیرند که هرچه به قلّه هجا نزدیک‌تر شوند، رساتر شوند. فرایند قلب ممکن است در راستای «اصل کم‌کوشی»^۴ در گفتار رخ دهد.

پاره‌گفتارهای شماره ۵

	بازنمایی واجی	بازنمایی آوایی	
۱	/#baʃgab#/ #baʃgab#	[baχʃáb]	‘بشقاب’
۲	/#asɣer#/ #asɣer#	[ʔaχsér]	‘اصغر’
۳	/#aʃgal#/ #aʃgal#	[ʔaχʃál]	‘آشغال’
۴	/#maʃɣ#/ #maʃɣ#	[maχʃ]	‘مشق’
۵	/#eʃɣ#/ #eʃɣ#	[ʔeχʃ]	‘عشق’
۶	/#masɣere# / #masɣere#	[maχsere]	‘مسخره’
۷	/#naʃɣer#/ #naʃɣer#	[naχʃér]	‘نشخوار’
۸	/#saɣ+pitʃ#/ #saɣ+pitʃ#	[saχpítʃ]	‘ساق پیچ’
۹	/#re:ɣ+pandzu#/ #re:ɣ+pandzu#	[re:χpandzú]	‘یک قل دو قل’
۱۰	/#naɣʃe#/ #naɣʃe#	[naχʃé]	‘نقشه’

1-metathesis

2-David Crystal

3-sonority sequencing principle

4-least effort principle

	بازنمایی واجی	بازنمایی آوایی	
۱۱	/#raɣs#/	[raɣs]	'رقص'
۱۲	/#arɛɣ+ʃin#/	[ʔarɛɣʃin]	'عرفچین'
۱۳	/#ʃɛraɣ+tur#/	[ʃɛlaɣtúr]	'چراغ تور'
۱۴	/#acsat#/	[ʔaɣsát]	'اقساط'
۱۵	/#roɣan#/	[roɣán]	'روغن'
۱۶	/#vaɣ#/	[vág]	'قورباغه'
۱۷	/#doɣ#/	[dóg]	'دوغ'

به نظر می‌رسد در گویش دیباجی، فرایند قلب، بیشتر در راستای اصل کم کوشی در گفتار باشد.

همان‌گونه که از داده‌های بالا پیداست دو اتفاق روی داده است: یکی جابه‌جایی دو همخوان و دیگری واک‌رفتگی و «سایشی‌شدگی»^۱ همخوان ملازی پیش از همخوان سایشی بی‌واک. قواعد این دو رویداد را به صورت زیر می‌توان صورت‌بندی کرد:

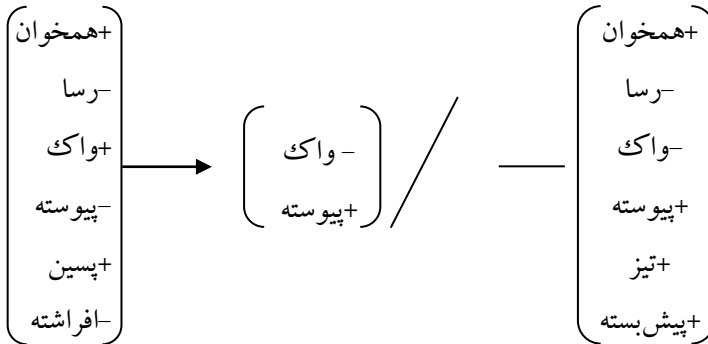
- قاعده قلب (به صورت «قاعده گشتاری»^۲) که بیانگر جابه‌جایی دو همخوان است.
- قاعده «واک‌رفتگی»^۳ همخوان انفجاری ملازی که بیانگر همگونی به‌لحاظ مختصه [-واک و +پیوسته] است.

1-spirantization
2-transformational rule
3-devoicing

قاعده ۴- قلب

«توصیف ساختاری» ^۱ (SD)	+همخوان -ر سا -واک +پیوسته +تیز +پیش بسته	+همخوان -ر سا +پسین -افراشته
	«نمایه ساختاری» ^۲ (SI)	۱
«تغییر ساختاری» ^۳ (SC)	۲	۱

قاعده ۵- همگونی انفجاری ملازی (پسرو)



در مورد دو قاعده ۴ و ۵ ارائه توضیحات زیر ضروری است:

- «برهم کنش قواعد»^۴ از نوع «زمینه چینی»^۵ است؛ یعنی ابتدا قاعده قلب باید روی دهد تا شرایط را برای اعمال قاعده واک رفتگی فراهم کند:

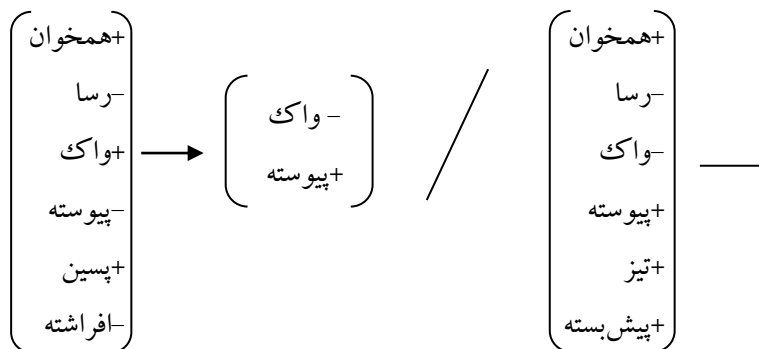
قاعده ۵ > قاعده ۴

- 1-structural description
- 2-structural index
- 3-structural change
- 4-rule interaction
- 5-feeding

ممکن است این سؤال مطرح شود که چرا قاعده همگونی را در تغییر ساختاری قاعده گشتاری ۴ نیاوریم تا به جای دو قاعده، فقط یک قاعده داشته باشیم و هر دو قاعده را در قالب قاعده گشتاری ۴ صورت‌بندی کنیم و از این طریق به سادگی بیشتری دست یابیم. در پاسخ باید گفت، اگرچه چنین صورت‌بندی امکان‌پذیر است، اما از آنجا که میزان انتزاع قواعد گشتاری بیش از قواعد خطی/غیرخطی است، تا وقتی که می‌توان میان دو قاعده ترتیب عملکرد قائل شد، باید از صورت‌بندی قواعد در قالب گشتاری اجتناب کرد (گوسنهوفن و یاکوبز ۱۱:۲۰۱۱:۹۶). میان قاعده قلب و همگونی به سادگی می‌توان ترتیب عملکرد قائل شد، اما در خود قاعده قلب اگرچه عملاً دو اتفاق روی داده (جابه‌جایی دو جزء آوایی) اما هیچ ترتیب عملکردی میان آن‌ها نمی‌توان قائل شد و به‌ناچار از قاعده گشتاری استفاده می‌کنیم.

نکته دیگری که در این باره باید به آن پرداخت، این است که چرا قاعده ۵ را پیش از قاعده ۴ اعمال نکردیم؟ زیرا در هر حال همخوان انفجاری ملازی در مجاورت همخوان سایشی قرار دارد و توصیف ساختاری برای اعمال قاعده همگونی تقریباً مشابه است. برای روشن‌تر شدن موضوع، قاعده ۵-۱ را صورت‌بندی می‌کنیم:

قاعده ۵-۱ همگونی انفجاری ملازی (پیشرو)



اگرچه توصیف ساختاری برای اعمال قاعده ۵-۱ فراهم است و دیگر نیازی به تصریح ترتیب عملکرد قواعد وجود ندارد، اما به دو دلیل قاعده ۵ بر قاعده ۵-۱

ارجحیت دارد. دلیل نخست، یک دلیل نظری است: همگونی پسر و عموماً رایج تر از همگونی پیشرو است (ن.ک. آدن، ۲۰۱۱: ۲۱۷ و کریستال، ۲۰۰۸: ۴۰). دلیل دوم بر اساس شواهد درون‌پیکره‌ای حاصل می‌شود. با بررسی داده‌های جدول شماره ۵ به وضوح می‌توان مشاهده کرد که محیط آوایی لازم برای همگونی همخوان انفجاری ملازی همان محیطی است که در توصیف ساختاری قاعده ۵ آمده است. به بیان دیگر، قاعده ۵ در هر صورت بر همه پاره‌گفتارهای شماره ۵ می‌تواند عمل کند. اما قاعده ۱-۵ فقط بر صورت‌های نظیر ۱۰ و ۱۱ می‌تواند عمل کند و توصیف ساختاری آن در مورد سایر صورت‌ها فراهم نیست. بدین ترتیب با قائل شدن به قاعده ۱-۵ نه تنها به سادگی بیشتری نمی‌رسیم، بلکه مجبوریم برای بیان یک فرایند واحد (همگونی) دو قاعده مجزا داشته باشیم.

۵-۲-۴. حذف همخوان و «کشش جبرانی»^۱ واکه

کشش جبرانی فرایندی است که عموماً یک واکه به جبران حذف شدن همخوان پس از خود کشیده تر می‌شود. کنستویچ (۱۹۹۴: ۲۹۵) کشش واکه به جبران حذف همخوان «پایانه‌ای»^۲ را رایج‌ترین نوع کشش جبرانی می‌داند. در گویش دیباجی، کشش جبرانی واکه پس از حذف همخوان‌های چاکنایی بی‌واک [h] و [ʔ] و نیز همخوان ناسوده [j] در پایانه هجا دیده می‌شود.

پاره‌گفتارهای شماره ۶

	بازنمایی واجی	بازنمایی آوایی	
۱	/#naʔl#/#	[na:l]	'نعل'
۲	/#maʔdɛ#/#	[ma:dɛ']	'معدۀ'
۳	/#daʔva#/#	[da:va']	'دعوا'
۴	/#sɛbh#/#	[sɛ:b]	'صبح'

1-compensatory lengthening

2-coda

	بازنمایی واجی	بازنمایی آوایی	
۵	/#zɛhr#/#	[zɛ:r]	'ظهر'
۶	/#solh#/#	[s ^w o:l]	'صلح'
۷	/#ʃahr#/#	[ʃa:r]	'شهر'
۸	/#pahly#/#	[pa:lý]	'پهلوی'
۹	/#ahli#/#	[ʔa:lí]	'اهلی'
۱۰	/#mahdi#/#	[ma:dí]	'مهدی'

پاره گفتارهای شماره ۷

	بازنمایی واجی	بازنمایی آوایی	
۱	/#hejvan#/#	[he:ván]	'حیوان'
۲	/#pejmanɛ#/#	[pe:manɛ]	'پیمانۀ'
۳	/#hosejn#/#	[hosé:n]	'حسین'
۴	/#cej#/#	[ce:]	'کی'
۵	/#ʃejtan#/#	[ʃe:tán]	'شیطان'
۶	/#pejda#/#	[pe:dá]	'پیدا'
۷	/#mejmún#/#	[me:mún]	'میمون'
۸	/#sejl#/#	[se:l]	'سیل'
۹	/#pej#/#	[pe:]	'پی'
۱۰	/#mejdan#/#	[me:dán]	'میدان'

در گویش دیباجی، همخوان ناسوده [j] پس از واکه [e] حذف می‌شود. در پاره گفتارهای شماره ۷، داده‌هایی از این گویش آمده است که کشش جبرانی واکه را پس از حذف همخوان [j] نشان می‌دهد. پاره گفتارهای زیر نشان می‌دهند که فرایند حذف همخوان [j] پس از واکه‌های دیگر رخ نمی‌دهد.

پاره گفتارهای شماره ۸

۱	[gajlán]	'قلیان'
۲	[kajindán]	'کاهدان'
۳	[ʔajj'ém]	'آویشن'
۴	[ʔajíʃ]	'آیش'
۵	[sojá]	'سویا'

حذف همخوان‌های چاکنایی [h] و [ʔ] و کشش جبرانی واکه قبل از آن‌ها در قاعده گشتاری شماره ۶ و حذف ناسوده [j] و کشش جبرانی واکه قبل از آن در قاعده گشتاری شماره ۷ صورت‌بندی شده است.

قاعده ۶- حذف همخوان‌های چاکنایی [h] و [ʔ] و کشش جبرانی واکه

توصیف ساختاری (SD)	v	(-همخوان) -رسا
نمایه ساختاری (SI)	۱	۲
تغییر ساختاری (SC)	[+کشیده]	∅

قاعده ۷- حذف ناسوده [j] و کشش جبرانی واکه

توصیف ساختاری (SD)	(-همخوان) +رسا -پسین -افراشته -افتاده	(-همخوان) +رسا -پسین +افراشته
نمایه ساختاری (SI)	۱	۲
تغییر ساختاری (SC)	[+کشیده]	∅

۶-۲-۴. حذف واکه نیمه‌افراشته پیش از تکواژ جمع

گویش دیباجی مانند فارسی معیار، هجای بدون آغازه را مجاز نمی‌داند؛ از این رو در واژه‌های مختوم به واکه [ε]، پس از اتصال تکواژ جمع [a] به واژه، واکه [ε] حذف می‌شود تا از هجای بدون آغازه، و به تعبیر آشناتر از «التقای واکه‌ها»^۱ جلوگیری کند. پاره‌گفتارهای زیر، شاهدهی بر این ادعا هستند.

پاره‌گفتارهای شماره ۹

	بازنمایی واجی	بازنمایی آوایی	
۱	/# χane + a #/	[χaná]	'خانه‌ها'
۲	/# cuze + a #/	[kuzá]	'کوزه‌ها'
۳	/# vaʃε + a #/	[vaʃfá]	'بچه‌ها'
۴	/# nave + a #/	[navá]	'نوه‌ها'
۵	/# taxε+a #/	[taxtá]	'تخته‌ها'
۶	/# cεε+a #/	[cεlá]	'اجاق‌ها'
۷	/#cεtab+a#/	[cεtabá]	'کتاب‌ها'
۸	/#dast+a#/	[dastá]	'دست‌ها'
۹	/#dar+a#/	[dará]	'درخت‌ها'

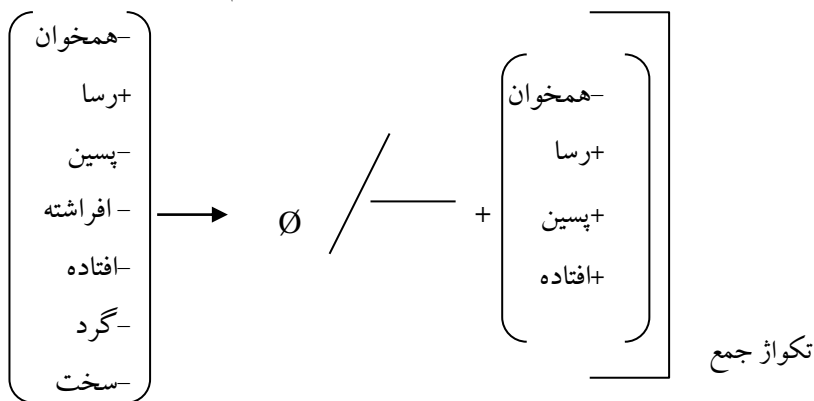
همان‌طور که در پاره‌گفتارهای شماره ۹ مشاهده می‌شود، نشانه تکواژ جمع در گویش دیباجی [-a] است. داده‌های این گویش نشان می‌دهد که حذف واکه پایانی در محل اتصال تکواژ جمع فقط در مورد واژه‌هایی رخ می‌دهد که به واکه [ε] ختم می‌شوند. در واژه‌هایی که به واکه‌های دیگر غیر از [ε] ختم می‌شوند، جهت جلوگیری از هجای بدون آغازه همخوان میانجی ظاهر می‌شود. داده‌های زیر مؤید این مطلب است.

پاره گفتارهای شماره ۱۰

	بازنمایی واجی	بازنمایی آوایی	
۱	/ #se + a# /	[sehá]	'سیب‌ها'
۲	/ #ʃu + a# /	[ʃúwá]	'چوب‌ها'
۳	/ #lubija + a# /	[lubijahá]	'لویاها'
۴	/ #jo + a# /	[gowá]	'گاوها'
۵	/ #χale+a# /	[χalehá]	'خاله‌ها'
۶	/ #cɛli+a# /	[cɛlijá]	'کلیدها'

بدین ترتیب، می‌توان ادعا کرد که قاعده حذف واکه نیمه‌افراشته پیشین نرم [ɛ] در این گونه زبانی برخلاف قواعدی که تاکنون در این پژوهش بررسی کرده‌ایم، یک قاعده «واژگانی»^۱ است؛ چراکه حذف این واکه وابسته به بافت دستوری ویژه‌ای است (حضور تکواژ جمع). قاعده شماره ۸ بیانگر این فرایند است (در مورد تفاوت قواعد واژگانی و «پساواژگانی»^۲ ن. ک کنستویچ، ۱۹۹۴: ۱۹۳-۲۰۰).

قاعده ۸ - حذف واکه پیشین نیمه‌افراشته نرم



1-lexical
2-post-lexical

۷-۲-۴. حذف واکه نیمه‌افراشته پایانی ستاک و افراستگی «پی‌بست»^۱

فعلی

در گویش دیباجی صورت «واژه‌بستی»^۲ فعل «است» واکه [ɛ] است. در واژه‌های مختوم به واکه [ɛ] که قبل از صورت واژه بستی^۳ است، ظاهر می‌شوند، دو واکه [ɛ] در کنار هم قرار می‌گیرند که برای جلوگیری از التقای واکه‌ها یکی از واکه‌ها در بازنمایی آوایی حذف و دیگری تبدیل به واکه [i] می‌شود. در پاره‌گفتارهای شماره ۱۱، داده‌های مرتبط با این موضوع آمده است.

پاره‌گفتارهای شماره ۱۱

	بازنمایی واجی	بازنمایی آوایی	
۱	/#in # χanɛ # ɛ#/#	[ʔin χani]	'این خانه است'
۲	/#in # cise # ɛ#/#	[ʔin cisi]	'این کیسه است'
۳	/#in # cɛɛ # ɛ#/#	[ʔin cɛli]	'این اجاق است'
۴	/#in # vaʃɛ # ɛ#/#	[ʔin vaʃi]	'این بچه است'
۵	/#in # taʃɛ # ɛ#/#	[ʔin taʃi]	'این تیشه است'
۶	/#in # ture # ɛ#/#	[ʔin turi]	'این توبره است'
۷	/#zahra#gabeɛ#ɛ#/#	[za:ra gabeli]	'زهره‌ا قابله است'
۸	/#musa#dehcan#ɛ#/#	[musa de:ganɛ]	'موسی دهقان است'
۹	/#χanɛ#sija#ɛ#/#	[χanɛ sijafɛ]	'خانه سیاه است'
۱۰	/#in#ʃolabi#ɛ#/#	[ʔin golabijɛ]	'این گلابی است'
۱۱	/#lamp#su#ɛ#/#	[lam suwɛ]	'لامپ روشن است'

همان‌طور که داده‌های بالا نشان می‌دهد، حذف واکه پایانی قبل از اتصال پی‌بست فعلی [ɛ] و افراشته شدن واکه بعدی، یعنی پی‌بست فعلی فقط در واژه‌هایی رخ می‌دهد

1-proclitic

2-clitic

که به واکه [ε] ختم می‌شوند و در واژگانی که مختوم به دیگر واکه‌ها هستند این حذف، صورت نمی‌گیرد و در عوض، یک همخوان میانجی درج می‌شود. حذف واکه نیمه‌افراشته و افراستگی پی‌بست فعلی را می‌توان به شکل قاعده ۹ صورت‌بندی کرد.

قاعده ۹ - حذف واکه نیمه‌افراشته پایانی ستاک

و افراستگی پی‌بست فعلی

	-همخوان	+همخوان	
	+رسا	+رسا	
	-پسین	-پسین	
	-افراشته	-افراشته	
	-افتاده	-افتاده	
	-گرد	-گرد	
	-سخت	-سخت	پی‌بست
توصیف ساختاری (SD)	۱	۲	
	۱	۲	
نمایه ساختاری (SI)	∅	+	+افراشته +سخت
	∅	+	+افراشته +سخت
تغییر ساختاری (SC)	∅	+	+افراشته +سخت

۸-۲-۴. فرایند نرم‌شدگی (تضعیف)

نرم‌شدگی (تضعیف) نوعی همگونی به‌شمار می‌رود (کنستویچ ۱۹۹۴: ۳۴-۳۵). تغییرات آوایی همخوان‌ها را از انسدادی به‌سمت سایشی و ناسوده، نرم‌شدگی یا تضعیف نامیده، فرایند عکس این تغییرات یعنی ناسوده به سایشی و انسدادی را سخت‌شدگی یا تقویت می‌نامند. وی بر این باور است که بهترین محیط برای تبدیل همخوان‌های انسدادی به سایشی محیط بعد از واکه است؛ اما در بعضی از زبان‌ها

فرایند تضعیف در محیط بین دو واکه رخ می‌دهد که «زنشی شدگی»^۱ انفجاری‌های لثوی در محیط بین دو واکه در انگلیسی نمونه‌ای از این حالت است (ن. ک. هیز^۲ ۲۰۰۹: ۱۴۳). فرایندهای سایشی شدگی، واکه‌دارشدگی و غلت شدگی از انواع نرم‌شدگی به‌شمار می‌روند که در ادامه به فرایندهای سایشی شدگی و واکه‌دارشدگی در گویش دیباجی می‌پردازیم.

۱-۸-۲-۴. سایشی شدگی همخوان انفجاری دولبی واکه‌دار:

تناوب همخوان‌های [b] و [v]

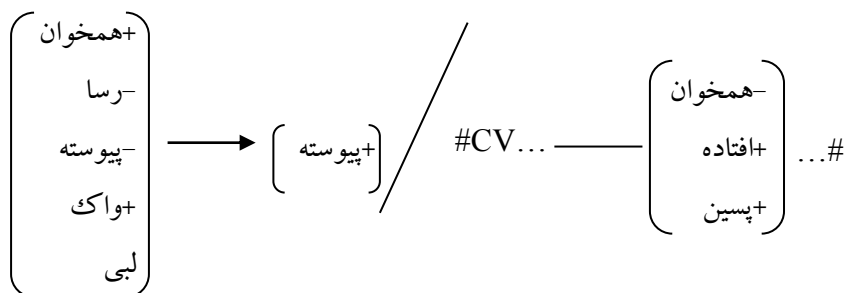
پاره‌گفتارهای شماره ۱۲

	بازنمایی آوایی	بازنمایی واجی	
۱	[vevá]	/#veba#/	‘وِبا’
۲	[sarəván]	/#sareban#/	‘ساربان’
۳	[davestá]	/#dabesta#/	‘بست’
۴	[zován]	/#zoban#/	‘زبان’
۵	[ʃurvá]	/#ʃurba#/	‘شوربا’
۶	[dovaré]	/#dobare#/	‘دوباره’
۷	[novát]	/#nobat#/	‘نیات’
۸	[halvalú]	/#halbalu#/	‘آلبالو’
۹	[rová]	/#roba#/	‘روباه’
۱۰	[me:ɾeván]	/#merəban#/	‘مهربان’
۱۱	[neja:ván]	/#nejahban#/	‘نگهبان’
۱۲	[falvín]	/#falvin#/	‘فالگیر’

	بازنمایی واجی	بازنمایی آوایی	
۱۳	/#bad#/	[bad]	'باد'
۱۴	/#badam#/	[badám]	'بادام'
۱۵	/#bahar#/	[baħár]	'بهار'
۱۶	/#lubija#/	[lubijá]	'لویا'
۱۷	/#cetab+a#/	[cetabá]	'کتاب‌ها'
۱۸	/#sebhane#/	[se:bané]	'صبحانه'

همان‌طور که در داده‌های فوق مشاهده می‌شود، همخوان انفجاری [b] پیش از واکه افتاده پسین [a] در اثر فرایند تضعیف به همخوان سایشی /v/ تبدیل می‌شود. این فرایند را به شکل زیر می‌توان صورت‌بندی کرد.

قاعده ۱۰- سایشی شدگی انفجاری لبی واک‌دار



توصیف ساختاری قاعده ۱۰ به این معنی است که این فرایند صرفاً همخوان غیرآغازین ستاک را تحت تأثیر واکه ستاک قرار می‌دهد، نه واکه‌ای که در جریان اشتقاق به کلمه افزوده شده است. به بیان دیگر این قاعده همخوان پایانی ستاک را تحت هیچ شرایطی دربر نمی‌گیرد. بنابراین توصیف ساختاری برای اعمال این قاعده بر همخوان آغازین واژه (پاره‌گفتارهای ۱۳ و ۱۴ و ۱۵) و همخوانی که در کنار یک پسوند آمده باشد (پاره‌گفتار ۱۷ و ۱۸) فراهم نیست و قاعده عمل نمی‌کند. در خصوص پاره‌گفتار ۱۸ ذکر این نکته ضروری است که مشتق (/#sebh+ane#/) یا

بسیط (/#sɛbhane#/)) دانستن این صورت تأثیری بر عدم عملکرد قاعده ۱۰ ندارد. چنانچه آن را مشتق بدانیم، با توجه به نوع صورت‌بندی قاعده ۱۰، تحت هیچ شرایطی توصیف ساختاری برای اعمال قاعده فراهم نیست، حتی اگر قاعده ۶ پیش از قاعده ۱۰ عمل کند. اما اگر فرض را بر این بگذاریم که پسوند [-ane] رسوبی شده و در این معنی فقط در چند صورت محدود به کار می‌رود و به‌ناچار باید آن را بسیط تلقی کنیم، عدم عملکرد قاعده ۱۰ را می‌توان از طریق ترتیب عملکرد آن با قاعده ۶ توضیح داد. بدین صورت که ابتدا قاعده ۱۰ اعمال می‌شود و از آنجا که توصیف ساختاری برای اعمال آن وجود ندارد، این قاعده عمل نمی‌کند و سپس قاعده ۶ عمل می‌کند و همخوان سایشی چاکنایی حذف می‌شود؛ یعنی برهم‌کنش این دو قاعده از نوع 'عکس زمینه‌چینی' است. برای روشن‌شدن موضوع، اشتقاق بازنمایی آوایی [sɛ:bané] در زیر نشان داده شده است (برای هر دو وضعیت بسیط و مشتق).

UR	/#sɛbhane#/	UR	/#sɛbh+ane#/	UR	/#sɛbh+ane#/
۱۰.ق.	-----	۱۰.ق.	-----	۶.ق.	#sɛ:b+ane#
۶.ق.	#sɛ:bane#	۶.ق.	#sɛ:b+ane#	۱۰.ق.	-----
PR	[sɛ:bané]	PR	[sɛ:bané]	PR	[sɛ:bané]

شایان اشاره است که موارد معدودی از نقض قاعده ۱۰ در این گونه زبانی مشاهده می‌شود؛ مواردی نظیر [bijabán] 'بیابان'، [kabáb] 'کباب' و [ʔabá] 'عبا'. با در نظر گرفتن این موارد نقض، هرچند معدود، شاید بهتر این باشد که جانب احتیاط را رعایت کنیم و فرایند مذکور را گرایش عام بدانیم.

۱-۸-۲-۴. واک‌دارشدگی همخوان سایشی چاکنایی بی‌واک [h]

در گویش دیباجی واک‌دارشدگی همخوان [h] در ابتدای هجای پایانی واژه مشاهده می‌شود که نوعی از فرایند تضعیف است. در این فرایند، همگونی در مشخصه

واک‌داری رخ می‌دهد. در این گویش، همخوان [h] فقط در آغاز واژه قرار می‌گیرد و در پایان واژه، حذف و در محیط میان‌واکه‌ای واک‌دار می‌شود. داده‌های زیر فرایند واک‌دارشدگی همخوان سایشی چاکنایی بی‌واک را بین دو واکه نشان می‌دهند.

پاره‌گفتارهای شماره ۱۳

	بازنمایی واجی	بازنمایی آوایی	
۱	/#mahal#/#	[mafiál]	‘محل’
۲	/#cahdan#/#	[kafiindán]	‘کاهدان’
۳	/#bahar#/#	[bafiár]	‘بهار’
۴	/#sahar#/#	[safiár]	‘سحر’
۵	/#ahir#/#	[?afiír]	‘کهیر’
۶	/#sohan#/#	[sofián]	‘سوهان’
۷	/#ahac#/#	[?afiác]	‘آهک’
۸	/#ahen#/#	[?afién]	‘آهن’
۹	/#nahar#/#	[nafiár]	‘ناهار’
۱۰	/#cahu#/#	[kafiú]	‘کاهو’
۱۱	/#behejt#/#	[behiéjt]	‘بهشت’

داده‌های زیر نشان می‌دهد که همخوان [h] در ابتدای واژه به همان صورت

زیرساختی باقی می‌ماند.

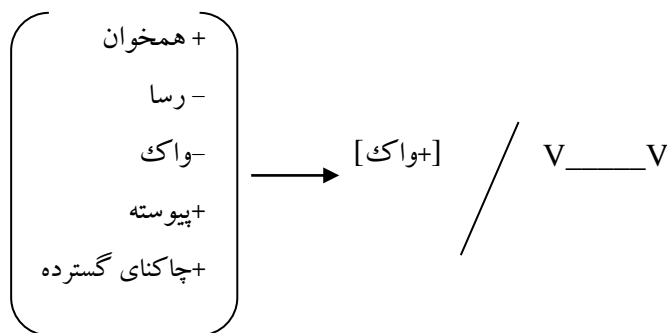
پاره‌گفتارهای شماره ۱۴

	بازنمایی واجی	بازنمایی آوایی	
۱	/#halu#/#	[halú]	‘هلو’
۲	/#hova#/#	[hová]	‘هوا’

	بازنمایی آوایی	بازنمایی واجی	
۳	[havɛlí]	/#havɛli#/ 'انباری'	
۴	[hoz márg]	/#hozmarɔ#/ 'آب انبار'	
۵	[hamfɛc]	/#hamfɛc#/ 'همیشه'	

قاعده ۱۱، فرایند واک دارشدگی همخوان سایشی چاکنایی بی واک را در محیط بین دو واکه نشان می دهد.

قاعده شماره ۱۱ - واک دارشدگی همخوان سایشی چاکنایی بی واک



۵. نتیجه گیری

پژوهش حاضر، چند فرایند واجی شاخص را در گویش دیباجی در چارچوب واج شناسی زایشی استانده مورد بررسی و توصیف قرار داده است. پس از آوانویسی داده های ضبط شده از گفتار گویشوران، واکه ها و همخوان های این گویش، با استفاده از جفت های کمینه شناسایی شدند. گویش دیباجی دارای ۱۰ واکه ساده شامل: /i, e, a, u, o, ɔ, ɛ, e:/ است که ۲ واکه ساده /y, ø, / فقط در گویش سال خوردگان و بی سوادان/ کم سوادان باقی مانده و در حال انقراض است. همخوان های این گویش شامل ۲۳ همخوان: /p, b, t, d, s, z, ʃ, dʒ/ c, ʃ, ɟ, r, l, ʃ, ɣ, f, v, h, m, n, j, w, / است که در جدول شماره ۱ نیز آمده است. در این پژوهش با ارائه داده هایی از این گویش، برجسته ترین فرایندهای واجی همچون فرایندهای همگونی،

ناهمگونی، تضعیف، قلب، درج و حذف مورد بررسی قرار گرفتند و قواعد واجی مربوط به این فرایندها و همچنین برهم کنش میان قواعد نیز ارائه گردید. از انواع فرایندهای همگونی، همگونی در مختصه جایگاه تولید و همگونی در مختصه واک مورد بررسی قرار گرفت. از انواع فرایندهای ناهمگونی در این گویش، تشدیدزدایی یعنی ناهمگونی در همخوان‌های یکسان مورد بررسی قرار گرفت. در گویش دیباجی فرایند حذف هم درمورد همخوان و هم درمورد واکه رخ می‌دهد. فرایند درج همخوان در این گویش، به دلیل جلوگیری از هجای بدون آغازه رخ می‌دهد که در این پژوهش بررسی شده است. فرایند دیگری که مورد بررسی قرار گرفته، فرایند قلب است. به نظر می‌رسد وقوع این فرایند بیشتر در راستای اصل کم کوشی در گفتار صورت گیرد. با بررسی فرایندهای واجی این نتیجه حاصل شد که حذف، همگونی و تضعیف از بارزترین فرایندها در این گویش هستند. تحلیل داده‌ها نشان می‌دهد که فرایندهای واجی متنوعی از جمله فرایندهای مربوط به تناوب در واکه‌ها در این گویش وجود دارند که در این مقاله بررسی همه آن‌ها امکان‌پذیر نبود و فقط به واکه نیم‌افراشته سخت /e/ به‌عنوان یک واج و واج گونه کشیده آن [e:] و واکه نیم‌افراشته سخت کشیده /e:/ به‌عنوان واجی دیگر پرداخته شد (ر.ک. پاره‌گفتارهای شماره ۱ و شماره ۷).

منابع

- ابوالقاسمی، محسن (۱۳۹۳)، **دستور تاریخی زبان فارسی**، تهران: سمت.
- اشمیت، رودیگر (۱۳۸۳)، **راهنمای زبان‌های ایرانی**، ترجمه فارسی زیر نظر حسن رضایی باغبیدی، تهران: ققنوس.
- اکبرپور، جعفر (۱۳۹۴)، **گنجینه گویش‌های ایرانی (استان مازندران ۱)**، جلد اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- آفاگل‌زاده، فردوس (۱۳۸۳)، **برخی تغییرات آوایی و فرایندهای واجی فعال در گویش مازندرانی**، گویش‌شناسی، ضمیمه نامه فرهنگستان، جلد اول، شماره ۳، صص ۴-۱۳.

- جوکار شهرستانی، سارا، (۱۳۹۲)، «فرایندهای واژ-واجی در زبان سمناهی»، پایان‌نامه منتشر نشده کارشناسی ارشد، دانشگاه سمنا.

- حسن‌دوست، محمد، (۱۳۸۳)، فرهنگ ریشه‌شناسی زبان فارسی، جلد اول، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- رضایی باغبیدی، حسن (۱۳۸۰)، معرفی زبان‌ها و گویش‌های ایران، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.

- شاه‌حسینی، علیرضا (۱۳۸۷)، دیباج، گوهری در شمال دامغان، سمنا: حبله‌رود.

- کرد زعفرانلو کامبوزیا، عالیبه و فردوس آقاگل‌زاده و علی رضایی، (۱۳۸۷)، «برخی فرایندهای واجی در گونه زبانی شیرگاه از گویش مازندرانی»، زبان و زبان‌شناسی، شماره ۷، صص ۹۳-۱۰۶.

- لُکوک، پیر (۱۳۸۳)، گویش‌های حاشیه دریای خزر و گویش‌های شمال غرب ایران، در راهنمای زبان‌های ایرانی، جلد دوم، زبان‌های ایرانی نو، صص ۴۸۹-۵۱۵. رودیگر اشمیت (ویراستار). ترجمه‌ی فارسی زیر نظر حسن رضایی باغبیدی. تهران: ققنوس.

-Crystal, David, (2008) **A Dictionary of Linguistics & Phonetics**, Oxford: Blackwell.

-Gussenhoven, Carlos. & Haike Jacobs, (2011), **Understanding Phonology**, London: Hodder Education.

-Hayes, Bruce, (2009) **Introductory phonology**. Malden, Mass., and Oxford, UK: Wiley-Blackwell

-Hyman, Larry M. (1975) **Phonology: Theory and Analysis**, New York: Holt, Rinehart & Winston

-Jensen, John T. (2004) **Principles of Generative Phonology**. Amsterdam/Philadelphia: John Benjamin Publishing Company

-Kenstowicz, Michael, (1994) **Phonology in Generative Grammar**, Oxford: Blackwell.

-Odden, David, (2011) **Introducing Phonology**, Cambridge: Cambridge University Press.

-Windfuhr, Gernot. (Editor), (2009) **The Iranian Languages**, London and New York: Routledge